

اگر همه آفرینش به معلم درود میفرستند، برای این است که معلم، علم را در اختیار معلم میگذارد.
امام خامنه ای (مدظله العالی)

ستاد اقامه نماز استان با همکاری بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
استان چهارمحال و بختیاری به مناسبت روز معلم برگزار می کند

مسابقه متن محتوایی با عنوان

نماز معلم انسان ساز

علاقه مندان می توانند پاسخ سوالات را در قالب یک عدد ۱۰ رقمی ارسال نمایند

سامانه پیامکی ۱۰۰۰۰۱۷

آخرین مهلت ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

تعداد برگزیدگان ده نفر به قید قرعه



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج)
پندار خرد و بختیاری



ستاد برگزاری نماز جمعه شهرکرد



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
چهارمحال و بختیاری



ستاد اقامه نماز



نماز معلم انسان ساز

مقدمه

اهمیت نماز به قدری مهم است که قرآن بعد از ایمان آن را متذکر شده است " یقیمون الصلوه " از این جا به اهمیت نماز پی می بریم زیرا یکی از پایه های دین شمرده شده است و در راس همه عبادتها نماز است، اسلام بدون نماز هرگز معنایی ندارد، نماز خود سازی است، قرآن عجیب سخن می گوید: " ای اهل ایمان! از نماز استمداد کنید، اگر شما میخواهید در اجتماع یک مسلمان واقعی باشید و می خواهید یک مجاهد نیرومند باشید . باید نماز خوان خالص و مخلص باشید اهمیت نماز در جریان اجتماعی شدن نیز بسیار مهم است عمده ترین فریضه مذهبی که در فرآیند اجتماعی شدن . افکار نگرش و رفتارهای مذهبی کودکان و نوجوانان را تحت تاثیر قرار می دهد نماز است اگر ما بتوانیم نماز را به عنوان یک هنجار مذهبی در رفتار و کردار فرزندان خود درونی سازیم قدم اساسی برای تربیت دینی آنها برداشته ایم نماز در ایجاد و حفظ شخصیت سالم مذهبی افراد جامعه نقش دارد و دارای اثرات مثبت اجتماعی است نکته مهم: توجه دادن جوان به نماز . ایجاد رابطه ی انس او با خدا احساسات مذهبی او را اقناع میکند تمایلات طبیعی و هواهای نفسانی او را مهار کرده و رفتار او را تحت کنترل در می آورد. از آن جا که انسان پرتوی از سرشت الهی دارد ذکر خدا و اقامه نماز موجب افزایش قابلیت های معنوی انسان و ترک نماز و غافل شدن از یاد خدا موجب احساس بی هویتی و افتادن در ورطه گمراهی می شود. قرآن کریم برای گریز از این گرداب ها و نجات یافتن از این امواج پر تلاطم و نا آرام ذکر خدا و یاد خدا را توصیه می کند. اثر وضعی نماز چیره شدن بر شیطان و زدودن زنگارهای گناه از دل نماز گزار و به منزله کفاره گناهان است. امام رضا(ع) می فرماید: «نماز و ذکر خدا در شب و روز موجب می شود که انسان خالق و مولای خود را فراموش نکند و روح سرکش و طغیان بر او چیره نشود.

اهمیت تعلیم و تربیت از دیدگاه قرآن

در قرآن، آیات فراوانی در زمینه «تعلیم» و «تعلّم» و «نشر علم» وجود دارد که ذکر همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد.

نگاه اجمالی به این آیات پنج گانه، از میان ده ها آیه از قرآن مجید در زمینه تعلیم و تربیت، اهتمام فوق العاده اسلام را نسبت به این امر مهم نشان می‌دهد.

آیه نخست، جهان را به منزله دانشگاهی معرفی می‌کند، که تمام مخلوقاتش به منظور علم و آگاهی هر چه بیشتر انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ و هدف این بوده که در اسرار این پدیده‌ها بیندیشند، و به علم و قدر پروردگار آشنا شوند؛ به تعبیر دیگر، «هدف از کلّ جهان آفرینش، علم و دانش بوده است»

آیه دوّم، هدف از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را گسترش علم و حکمت، و پرورش نفوس بر می‌شمرد، در این فراز قرآنی نه تنها به تعلیم کتاب و حکمت اشاره شده، بلکه به تعلیم آن اموری که بدون نزول وحی امکان دسترسی به آن نبوده است، نیز اشاره شده است: «يُعَلِّمُكُم مَّالِمَ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ؛ و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد».

در آیه سوّم، تعلیم و تربیت و آموزش حکمت، در دعای ابراهیم خلیل علیه السلام برای این امت آمده است؛ و به خوبی استفاده می‌شود تعلیم و تربیت از اهداف شناخته شده در میان امت‌های پیشین نیز بوده است.

در چهارمین آیه: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید»، در واقع به بنیان مسأله تعلیم و تربیت اشاره شده است چرا که همه عقلای جهان بر آن صحّه می‌نهند که همیشه «نا آگاهان باید از آگاهان فرا گیرند».

آخرین آیه، مسلمانان را به دو گروه تفسیم می‌کند: «معلّمان و متعلّمان» و در واقع هر مسلمانی باید جزء یکی از این دو گروه باشد، یا آموزش دهد یا فرا گیرد یا معلّم باشد یا شاگرد.

تأمل در این آیه شریفه نشان می دهد در اسلام همان گونه که تحصیل علم واجب است، تعلیم دادن به دیگران نیز جنبه وجوب و الزام دارد: «وَلْيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ؛ باید به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را انذار نمایند».

تعلّم حضرت موسی (علیه السلام) از خضر (علیه السلام)

مسأله انتخاب معلم و استاد و دلیل راه در مسیر تربیت نفوس و سیر و سلوک الی الله به حدی اهمیت دارد که گاه انبیای الهی، در مقطع خاصی نیز مأمور به این انتخاب می شدند. داستان خضر و موسی علیه السلام در سوره کهف در قرآن مجید که داستانی بسیار پر معنی و پرمحتوا است، چهره ای از این انتخاب است.

حضرت موسی علیه السلام مأمور می شود برای فرا گرفتن علمی که جنبه نظری نداشت، بلکه بیشتر جنبه عملی و اخلاقی داشت نزد پیامبر و عالم بزرگ زمانش که قرآن از او به عنوان «عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا؛ بنده ای از بندگان ما که او را مشمول رحمت خود ساخته و از سوی خود علم فراوانی به او تعلیم داده بودیم» یاد کرده، حاضر شود.

موسی علیه السلام با نشانه ای که در دست داشت به دنبال آن معلّم الهی می گشت تا از علمی که خدا به او تعلیم داده بود بهره ببرد، هنگامی که بعد از یک ماجرای مفصل به او رسید گفت: «هَلْ أَتَبِعُكَ عَلِيَّ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا؛ آیا من از تو پیروی کنم (و همراه تو بیایم) تا از آنچه به تو تعلیم داده شده است و مایه رشد و صلاح است به من بیاموزی!». اینها علمی بودند که علاوه بر علم شریعت به حضرت موسی (ع) تعلیم شد.

در مجموع این ماجرا به خوبی نشان می دهد پیدا کردن رهبری آگاه و فرزانه، و بهره گیری از علم و اخلاق او تا آن حد اهمیت دارد که پیامبر اولو العزمی همچون موسی مأمور می شود که راه دور و درازی را برای حضور در محضر او، و اقتباس از چراغ پر فروغش، بپیماید.

خداوند، اولین معلم

خداوند نخستین معلم است، در قرآن به آیاتی برمی خوریم که خداوند خود را به عنوان معلم معرفی کرده، گاه به آدم (علیه السلام) علم اسماء می آموزد: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا؛ سپس علم اسماء [علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت»، و گاه به نوع انسان آنچه را نمی داند از طریق تکوین و تشریح (بخشی را به صورت علوم فطری در نهادش آفرید، و بخش دیگری را به وسیله عقل و تدبیر در عالم آفرینش و بخش سومی را به وسیله انبیاء) می آموزد: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛ به آدمی آنچه را که نمی دانست تعلیم داد».

گاه قلم به دست او داده و نوشتن می آموزد: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ همان کسی که بوسیله قلم تعلیم نمود»، گاه یک حرف و دو حرف بر زبانش می نهد و شیوه سخن گفتن به او تعلیم می دهد: «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»؛ خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود، انسان را آفرید، و به او «بیان» را آموخت».

به این ترتیب او هم معلّم بیان است، و هم معلّم قلم، و هم معلّم اموری که انسان از آن آگاهی نداشته است، این تعلیمات ممکن است اشاره به تعلیمات فطری باشد که به صورت خلاصه و سربسته در درون جان انسان است، و نیز ممکن است اشاره به وجود ابزار و اسباب و مقدماتی باشد که خدا در انسان آفریده، و او را قادر بر اختراع زبان و خط و کشف سایر واقعیات جهان هستی کرده است.

انبیاء و ائمه اطهار (علیهم السلام)، معلمان بزرگ تاریخ بشریت

تعلیم و تربیت انسان از جمله مهم ترین برنامه پیامبران است، انبیای الهی آنچه را خدا به عنوان وحی، به آنان تعلیم کرده، از طریق استدلال، انذار، بشارت، موعظه و اندرز و نفوذ در دل ها، به مردم تعلیم می دهند.

لذا پیامبران بزرگ ترین معلّمان در عالم بشریتند. البته پیغمبران خدا همانند معلمانی بودند که هر کدام جامعه بشریت را در یک کلاس پرورش می دادند، بدیهی است دوران تعلیم هر یک که تمام می شد به دست معلم دیگر، در کلاس بالاتر سپرده می شدند.

بدین ترتیب نوح علیه السلام مسئول تعلیم و تربیت انسان ها در نخستین مقطع بود، ابراهیم علیه السلام در مقطع دیگر و همچنین موسی و عیسی علیهما السلام هر کدام معلم و استاد یکی از این مقاطع بودند. حال با گذشت زمان و آمادگی نوع بشر برای تعلیمات عالی تر، ادیان الهی تدریجاً کامل تر، و تعلیمات آنها عمیق تر شد تا نوبت به آخرین و کامل ترین آیین الهی یعنی آیین اسلام رسید و فرمان «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضَيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را به عنوان آیین (جاویدان) شما پذیرفتم» صادر شد، و خاتم انبیا محمد صلی الله علیه و آله مامور تعلیم این مقطع شد.

به تعبیر دیگر انبیای پیشین، برای اینکه انسان بتواند در این راه پرنشیب و فرازی که به سوی تکامل دارد پیش برود، هر کدام قسمتی از نقشه این مسیر را در اختیار او گذاردند، تا این شایستگی را پیدا کرد که نقشه کلی و جامع تمام راه را، به وسیله آخرین پیامبر از سوی خداوند بزرگ، در اختیار او بگذارد.

لذا از اهداف بعثت پیامبر اسلام، آموزش مردم شمرده شده: «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ؛ و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد» و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز از اهداف بعثت خود را، آموختن مردم می داند: «وَبِالتَّعْلِيمِ اُرْسِلْتُ؛ من فرستاده شدم برای تعلیم».

در این میان نیاز مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله، برای تبیین پیچیدگی ها و تفسیر مجملات قرآن کریم است که سبب ارتباط آنها با سنت رسول الله می شود، همان ارتباطی که آنها را در همه زمینه ها هادی و راهگشاست؛ به تعبیر دیگر قرآن همانند کتابی است که شاگردان، احساس می کنند برای فهم

آن در پاره ای از قسمت ها نیاز به معلّم دارند و پیوند آنها با معلّم، حقایق زیاد دیگری را نیز برای آنها روشن می سازد.

حال سؤال در این است که آیا پس از رسول خدا، این معلّم الهی همچنان در میان مسلمانان وجود دارد یا نه؟ بدون شک باید وجود داشته باشد و گرنه مشکلات، باقی می ماند. چرا که همه انسان ها با پشتیبانی فطرت و فرمان عقل، در جستجوی کمال هستند. و باید راهی پر فراز و نشیب و طولانی را به سوی خدا، به سوی کمال مطلق و به سوی تکامل معنوی در تمام ابعاد بپیمایند.

درست است خداوند انسان را با نیروی عقل و خرد مجهّز ساخته، وجدانی قوی و پربار به او داده، کتاب های آسمانی برای او فرستاده، ولی این انسان ممکن است با همه این وسائل تکوینی و تشریحی باز، در تشخیص مصداق کمال، گرفتار اشتباه شود و به جای اینکه راه تکامل را بپیماید، راه انحطاط و نقصان را طی کند.

مسلماً وجود یک پیشوای معصوم، خطر انحراف و گمراهی را تا حدّ زیادی تقلیل می دهد، و به این ترتیب «وجود امام علیه السلام، تکمیل کننده هدف آفرینش انسان است».

و اینجاست که ما معتقدیم در هر عصر و زمان امام معصومی وجود دارد که علم قرآن نزد اوست، و او همان کسی است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در روایت متواتر ثقلین از او به عنوان «عترت» یاد کرده و پیوندش را با قرآن تا دامنه قیامت ناگسستنی دانسته است و فرموده: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا ابدا، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ؛ همانا من در میان شما دو چیز سنگین و گران می گذارم، که اگر بدانها چنگ زنید هرگز پس از من گمراه نشوید: کتاب خدا و عترت من اهل بیتم، و این دو از یک دیگر جدا نشوند تا در کنار حوض کوثر بر من در آیند».

برات آزادی از دوزخ برای معلم و متعلم

در روایتی معروف از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم آمده است که وقتی معلمی به کودکی بسم الله الرحمن الرحیم را یاد بدهد و او تکرار کند، خداوند چهار برات آزادی از دوزخ را برای معلم و متعلم و پدر و مادر معلم می نویسد: «إِذَا قَالَ الْمُعَلِّمُ لِلصَّبِيِّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (وَقَالَ الصَّبِيُّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) كَتَبَ اللَّهُ بَرَاءَةً لِلصَّبِيِّ وَبَرَاءَةً لِأَبَوَيْهِ وَبَرَاءَةً لِلْمُعَلِّمِ؛ هنگامی که معلم به کودک بگوید: بسم الله الرحمن الرحیم (و او تکرار کند) خداوند فرمان آزادی از دوزخ برای کودک و پدر و مادرش و معلم می نویسد».

این روایت نشان از جایگاه ویژه تعلیم و تربیت در اسلام دارد. شما معلمان باید خدا را شکر کنید که در این مسیر قرار گرفته اید

عواقب بی احترامی به معلم

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «ثَلَاثَةٌ لَا يَسْتَخِفُّ بِحَقِّهِمْ إِلَّا مُنَافِقٌ بَيْنَ النَّفَاقِ: ذُو الشَّيْبَةِ فِي الْإِسْلَامِ وَ الْإِمَامُ الْمُقْسِطُ وَ الْمُعَلِّمُ الْخَيْرِ؛ سه گروه هستند که حق آنها را فقط منافقان واضح النفاق کوچک می شمردند: کسی که عمری را در اسلام گذرانده، پیشوای عادل و کسی که نیکی را آموزش می دهد».

در این فراز روایی معلمان خیر کسانی هستند که نیکی ها را به مردم یاد می دهند؛ کسی که حق معلمان خیر را سبک بشمرد، منافق باین النفاق است.

«معلم خیر» تعبیر جالبی است و همه اموری که دارای منشأ خیری است در ذیل آن داخل است. تعبیر خیر علوم قرآن و علوم مانند حدیث، فقه، علوم طبیعی، پزشکی، علمی که باعث آبادی جامعه است و علوم نشأت گرفته از مبادی الهی که خیر و برکتی برای جامعه دارد همه را شامل می شود، چرا که خیر یکی از وسیع ترین کلمات است و تمام پهنه جامعه انسانی را در بر می گیرد.

احترامی که در همین روایت کوتاه به مقام معلّم گذاشته شده، احترام بزرگی است چرا که استخفاف کننده آن را منافق بین النفاق می داند.

هر کس کلمه ای به من بیاموزد مرا بنده خود کرده است

حقوق معلم بر متعلم از حقوق واجب الاتباع و لازم المراعات حق معلم است، این پدر روحانی که بسیار بر پدر جسمانی فضیلت دارد و او اگر وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد، مولای متعلم می شود چنان که منسوب به علی علیه السلام است که فرمود: «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا؛ کسی که مرا حرفی تعلیم دهد مرا عبد و بنده خود کرده است»، و نیز درباره معلم بزرگ خود فرمود: «أَنَا عَبْدٌ مِنْ عَبْدِ مُحَمَّدٍ؛ من بنده ای از بندگان محمد صلی الله علیه وآله وسلم هستم».

حقوق معلم بر شاگرد

رعایت حق معلم از وظایف بزرگی است که شارع مقدس بر دوش ما گذارده است: امام صادق علیه السلام در روایتی از علی علیه السلام نقل می کنند که مولی بسیار می فرمودند:

«إِنَّ مِنْ حَقِّ الْعَالِمِ أَنْ لَا تُكْثِرَ عَلَيْهِ السُّؤَالَ وَ لَا تَأْخُذَ بِثَوْبِهِ وَ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ وَ عِنْدَهُ قَوْمٌ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ جَمِيعًا وَ خُصَّهُ بِالتَّحِيَّةِ دُونَهُمْ وَ اجْلِسْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَا تَجْلِسْ خَلْفَهُ وَ لَا تَغْمِزْ بِعَيْنِكَ وَ لَا تُشِرْ بِبَدِكَ وَ لَا تُكْثِرْ مِنَ الْقَوْلِ قَالَ فُلَانٌ وَ قَالَ فُلَانٌ خِلَافًا لِقَوْلِهِ وَ لَا تَضْجِرْ بِطُولِ صُحْبَتِهِ فَإِنَّمَا مَثَلُ الْعَالِمِ مَثَلُ النَّخْلَةِ تَنْتَظِرُهَا حَتَّى يَسْقُطَ عَلَيْكَ مِنْهَا شَيْءٌ؛ از حق عالم بر تو این است که زیاد از او سؤال نکنی و لباس او را نگیری و اگر بر مجلس عالم وارد شدی و نزد او عده ای بودند سلام بر همه آنها کن و سلام و درود ویژه خود را به آن عالم تقدیم نما و برای نشستن، جایگاهی را در برابر او انتخاب کن و پشت سر او منشین و با گوشه چشم به او نظر میفکن و با دست خود به او اشاره نکن، (که بی احترامی به او است) و زیاد نگو فلانی و فلانی برعکس قول شما گفته اند، و با زیاد صحبت کردن او را ناراحت نکن، زیرا مثل عالم و دانشمند مثل درخت خرمائی است که انتظار کشیده می شود چه موقع از آن رطبی فرو افتد». یعنی

او باید افاضه کند نه با سؤال کردن مرتب او را رنج دهی! و چنانکه او را آماده پاسخ گویی دیدی از او سوال کن.

بخشنده ترین بخشنده ها کیست؟

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می خوانیم: «الَاخْبِرُكُمْ بِأَجْوَدِ الْأَجْوَدِ؟ اللَّهُ الْأَجْوَدُ الْأَجْوَدُ! وَ أَنَا أَجْوَدُ وَوَلَدِ آدَمَ! وَ أَجْوَدُكُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عِلْمٌ فَنَشَرَ عِلْمَهُ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَحَدَه!» آیا به شما خبر دهم که بخشنده ترین بخشنده ها کیست؟ بخشنده ترین بخشنده ها خداست، و من بخشنده ترین فرزندان آدم هستم؛ و بعد از من از همه شما بخشنده تر کسی است که علم و دانشی را فرا گیرد، و آن را نشر دهد و به دیگران بیاموزد، چنین کسی روز قیامت به تنهایی به صورت امتی برانگیخته خواهد شد!

تعبیر به امت به خوبی نشان می دهد که گسترش وجودی معلمان به موازات گسترش تعلیمات آنها در میان جامعه بشری صورت می گیرد، و هر قدر شاگردان بیشتری را تعلیم و تربیت کنند به همان نسبت شخصیت معنوی و اجتماعی آنها گسترده تر می شود و گاه به اندازه یک امت می گردد.

درود فرستادن بر معلم

در روایات اسلامی مقام معلم آنقدر والا است که خدا و فرشتگان و همه موجودات، حتی مورچه در لانه خود و ماهیان در دریاها بر کسی که به مردم نیکی تعلیم کند درود می فرستند؛ چنانکه در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آمده است: «انَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ حَتَّى النَّمْلَةُ فِي حُجْرِهَا وَ حَتَّى الْحُوتُ فِي الْبَحْرِ يُصَلُّونَ عَلَيَّ مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرِ».

بزرگی در ملکوت آسمان ها

طبق روایت امام صادق علیه السلام، اگر کسی برای خدا دانش آموخت، و برای او عمل کرد، و تعلیم داد، در آسمان ها عظیم و بزرگ خوانده می شود: «مَنْ تَعَلَّمَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا».

در مجموع به قدری آیات نورانی قرآن کریم و کلمات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام گویا است که جای توضیح نیست، خداوند ما را مؤدب به اخلاق الهی گرداند، تا در رعایت حق معلّم و عمل به علم خود کوشا باشیم.

نقش معلم و مدرسه در توسعه فرهنگ نماز

همانطور که در کلام نورانی رسول مکرم اسلام (ص) آمده است، نماز ستون دین است. وستون هر چه محکم تر باشد سایر اجزای بنا محکم تر و استوارتر خواهد بود پس ضرورت عقلی و شرعی اقتضا می کند که قبل از همه باید به محکم سازی و استوار سازی ستون دین پرداخته شود، و پرداختن به این امر مهم را فرهنگ سازی نماز نام می نهیم. . نماز رکن اصلی دین است و به عنوان نمودی بارز و آشکار از رفتارهای دینی باید اصلی ترین جایگاه را در زندگی مردم داشته باشد. وقتی که خود را در مقام عضوی از پیکره تعلیم و تربیت می بینیم این اندیشه در ذهن ایجاد می شود که واقعاً وظیفه ی تعلیم و ترویج اقامه نماز برعهده چه کسی است و با چه کیفیتی و با چه روش هایی انجام پذیرد؟ البته در این زمینه نقش معلمان و محققان و مدیران آموزش و پرورش و عالمان فرهنگی به عنوان سکانداران یک نهاد فرهنگ ساز (مدرسه) حائز اهمیت است.

مدرسه به عنوان مرکز فراگیری مراسم دینی و مذهبی می تواند به عنوان بزرگترین چاره انحرافات درون مدرسه ای برای کنترل و درمان نابسامانی های دانش آموزان باشد. تحقیقات و بررسی های انجام شده نشان می دهد: مدارس که اقامه نماز را جدی گرفته اند اضطراب و ناهنجاری ها، ضد ارزش ها و مشکلات اخلاقی کمتری را شاهد بوده اند. بکارگیری شیوه های متنوع در ارائه مفاهیم دینی و کمک طلبیدن از هنر سینما و فن آوری جاذب شادابی نسل جوان را در تربیت افزون خواهد کرد.

اگر می خواهیم شاهد اقامه نماز در جامعه بطور اعم و در مدارس و مساجد بطور اخص باشیم بایستی معلمان و مدیران در مدارس و همچنین ائمه جماعات در مساجد، خادمین مساجد، و ... خوش اخلاق ترین افراد باشند همچنین باید معلم های خوش برخورد، خوش اخلاق، محبوب دانش آموزان صف اول بایستند

دانشگاه های ما نیز به همین ترتیب بایستی اساتید دانشگاه در خط اول نماز جماعت باشند . نکته آخر اینکه مساجد باید نسبت به مدارس پیشقدم باشند ؛ اگر در هر منطقه آموزشی کشور ائمه مساجد میزبان دانش آموزان دختر و پسر باشند و آنان را به مسجد محل دعوت کنند ممکن است از دختران و پسرانی که اصلاً نماز نمی خوانند بر ای اولین بار در مساجد حضور پیدا کنند . تجربه هم نشان داده است دانش آموزان به سراغ مربی و مدیر مدرسه خود خواهند رفت تا زمان بعدی حضورشان را در مسجد را بدانند . در نهایت اینکه ما باید سعی کنیم در پرورش احساسات مذهبی دانش آموزان و تقویت شناخت آنها آن چنان بینشی در آنان ایجاد کنیم تا رفتارهای مذهبی که جلوه بارز و آشکارش در نماز و حجاب است به صورتی زیبا از ایشان جلوه گر بشود .

از بهترین امتیازات جامعه بشری هنر معلمی است. معلم با تعلیم و نشر علم، انسانها را به سوی کمال و پیشرفت سوق می دهد و عشق و ایمان را بر لوح جان و ضمیر پاک انسانها ثبت می کند و ندای فطرت را در فضای عالم طنین انداز می گرداند. در حقیقت تمام ترقیات و کمالات انسانها مدیون معلم است. اساساً تعلیم و تعلم از نعمتهای خداوند متعال است که اول برای انبیاء و اولیا و سپس به دیگران ارزانی داشته است. به این جهت، معلم بودن از ویژگیهای انبیاست. خداوند متعال می فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

بزرگ ترین معلم جهان بشریت حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله به این ویژگی خود افتخار می کرد. آن بزرگوار زمانی که با دو گروه در مسجد مواجه شد که گروه اول عبادت می کردند و گروه دوم به آموزش علم مشغول بودند، گروه دوم را که در محضر استادی علم می آموختند، افضل دانست و فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ مَعَلِّمًا هَمَانَا كَمَا مِنْ بَعْدِي مَعْلَمٌ مَبْعُوثٌ شَدِيدٌ».

آن حضرت چنان برای معلمان و مقام ارجمند آنان ارزش قائل بود که در دعاهایش می فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُعَلِّمِينَ وَأَطِلْ أَعْمَارَهُمْ وَبَارِكْ لَهُمْ فِي كَسْبِهِمْ؛ خداوند! معلمان را بیامرز و عمر طولانی به آنان عطا فرما و کسب و کارشان را مبارک گردان!»

آری، معلمی از خصوصیات انبیا و از صفات محبوب آنان می باشد. در مقام پاسداشت از تلاشهای معلمان سخنی بالاتر و زیباتر از کلام مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام نمی توان یافت که فرمود: «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا؛ کسی که به من یک حرف بیاموزد، مرا بنده خود کرده است.» البته این شرافت و فضیلت برای معلم، زمانی ارزشمند است که بتواند این موهبت الهی را در وجود خود محقق سازد و با تمام وجود در جهت کمال جامعه به آموزش پردازد.

با توجه به سخنان پیش گفته، در این فرصت، آموزه هایی را از روایات اهل بیت علیهم السلام در تکریم مقام معلم به خوانندگان گرامی تقدیم می کنیم.

امام حسین علیه السلام و تقدیر از معلم

بدون تردید هر انسانی فطرتاً دوست دارد تا از خدمتگزار خود تقدیر کند و چه خدمتی بالاتر از آموزش علم و دانش به انسان می تواند باشد. در آموزه های دینی ما برای تقدیر از معلم سفارشهای زیادی شده است و در سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام این امر مرسوم و مسلم بوده است. ابن شهر آشوب در حالات امام حسین علیه السلام می نویسد:

در مدینه معلمی به نام عبد الرحمن سلمی به یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام سوره حمد را آموخت. هنگامی که فرزند گرامی حضرت آن را در نزد وی قرائت کرد، امام بسیار خوشحال شد و معلم را دعوت کرد و به عنوان تقدیر و تشکر هزار دینار و هزار حله به او پاداش داد. وقتی امام حسین علیه السلام به خاطر این پاداش زیاد، مورد اعتراض قرار گرفت، فرمود: «وَأَيْنَ يَقَعُ هَذَا مِنْ عَطَائِهِ يَعْني تَعْلِيمِهِ؛ این پاداش کجا و عطای او، یعنی آموزش سوره حمد کجا!» آن گاه امام حسین علیه السلام این ابیات را یادآور شد که:

إِذَا جَادَتِ الدُّنْيَا عَلَيْكَ فَجُدْ بِهَعْلَى النَّاسِ طَرًّا قَبْلَ أَنْ تَتَفَلَّتْ

فَلَا الْجُودُ يُفْنِيهَا إِذَا هِيَ أَقْبَلَتْوَلَا الْبُخْلُ يُبْقِيهَا إِذَا مَا تَوَلَّتْ

یعنی زمانی که دنیا چیزی بر تو ببخشد، تو نیز دست عطایت را بر همه مردم بگشا، قبل از آنکه از دست تو برود! نه بخشش آن را از بین می برد، اگر به تو رو آرد و نه بخل آن را نگه می دارد، اگر دنیا به انسان پشت کند.

منزلت معلم

از منظر روایات اهل بیت علیهم السلام برای مقام معلمی ارزش بسیاری قرار داده شده است؛ چرا که او روح و جان افراد را پرورش داده، به سوی رشد و ترقی و تعالی می برد.

حضرت سید الشهداء علیه السلام در یکی از رهنمودهای حیاتبخش خویش فرمود: «مَنْ دَعَا عَبْدًا مِنْ ظَلَالَةٍ إِلَى مَعْرِفَةٍ حَقٍّ فَأَجَابَهُ كَانَ لَهُ الْأَجْرُ كَعِتْقِ نَسَمَةٍ؛ هر کس انسانی را از گمراهی به سوی شناخت حق و حقیقت راهنمایی کند و او نیز پاسخ مثبت دهد، به اندازه آزادی یک بنده پاداش خواهد داشت.»

امام حسین علیه السلام در این زمینه به مردی که در محضرش بود، چنین فرمود: «کدام یک از دو کار را بیشتر دوست داری: مرد ستمگری می خواهد فرد ناتوانی را به قتل برساند و تو او را یاری می کنی و از دست ظالم نجات می دهی و یا اینکه فرد دگراندیشی که اعتقادات فاسد دارد و می خواهد یکی از شیعیان ما را که توانایی دفاع فکری و عقیدتی از باورهای خود ندارد، گمراه کند و تو دری از علم و معرفت به روی او می گشایی و آن مستضعف فکری را یاری می کنی و در مقابل هجوم فرهنگی و عقیدتی تجهیزش می نمایی و او با دلایل محکم و منطقی بر دشمن عقیدتی خود پیروز می شود؟»

آن گاه در ادامه فرمود: «این ناتوان فکری را یاری کردن افضل است؛ چرا که خداوند متعال فرموده: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»؛ «هر کس فردی را زنده کند، مثل این است که تمام مردم را زنده کرده است.» یعنی اینکه از کفر به سوی ایمان راهنمایی و ارشادش نماید.

عزیزترین قشر جامعه

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام احترام معلم را بر هر قشری از جامعه لازم می دانست و به مسلمانان سفارش می کرد که به پاس خدمات این گروه ارزشمند در هر مقامی که باشند، آنان را همانند پدر خود گرامی بدارند و در این زمینه فرمود: «قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَيِّكَ وَمُعَلِّمِكَ وَلَوْ كُنْتَ أَمِيرًا؛ به پاس گرامی داشت پدر و معلم خود به پا خیز! گرچه پادشاه باشی.»

حضرت زین العابدین علیه السلام نیز در ضمن شمارش حقوق اقشار مختلف جامعه، معلمان را از طبقات برتر جامعه قلمداد کرده، به دوستان و شیفتگانش سفارش می کرد که حقوق معلمان و اساتید خود را به نحو شایسته ای مراعات کنند و در رساله حقوق خود فرمود: «حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ فَالْتَعْظِيمُ لَهُ وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنُ الْأَسْتِمَاعِ إِلَيْهِ؛ حق آموزگار تو این است که او را تعظیم کنی و در مجلس محترم بداری و به نیکویی سخنانش را گوش کنی.»

در تفسیر امام عسکری علیه السلام آمده است: «هنگامی که به حضرت هادی علیه السلام خبر رسید یکی از فقهای شیعه - که در مقام استادی بود - با برخی از ناصبیان مناظره کرده و با برهان محکم و متقن، باطل بودن ناصبی را اثبات نموده و او را رسوا کرده است، [خیلی خوشحال شد و] هنگامی که آن استاد فرزانه به حضور امام هادی علیه السلام رسید، امام او را در صدر مجلس به تخت بزرگی که در آنجا قبلاً نهاده بودند، راهنمایی کرد. این درحالی بود که گروهی از علویان و بنی هاشم حضور داشتند و خود امام بر آن تخت نشست. حضرت آن استاد فقیه را بالا برد و تعظیم کرد تا اینکه بر روی آن تخت نشانید.»

تکریم معلم

یکی از بهترین و مؤثرین ترین اقشار اجتماعی، معلمان و اساتید و مربیان هستند. همان طور که شمع خود می سوزد و اطرافش را روشن می کند، معلمان دلسوز و وظیفه شناس که دانش آموزان و دانشجویان خود را با زحمات شبانه روزی به سوی روشنائی و هدایت می برند نیز جامعه را به نور علم

و معرفت خویش روشن می سازند. برای همین، شایسته است که مقام معلمان و مدرسان را همه طبقات، محترم بشمارند.

از منظر رسول اکرم صلی الله علیه و آله مقام سه گروه برجسته در جامعه را به غیر از افراد گمراه و منافق کسی دیگر سبک نمی شمارد. آن حضرت چنین فرمود: «ثَلَاثَةٌ لَا يُسْتَخَفُّ بِهِمْ إِلَّا مُنَافِقٌ بَيْنَ نِفَاقِهِ ذُو شَيْبَةٍ فِي الْأِسْلَامِ وَمُعَلِّمٌ الْخَيْرِ وَإِمَامٌ عَادِلٌ؛ از تعظیم و تکریم سه گروه به غیر از افراد منافق که دو رویی آنان بر همگان آشکار است، کسی دیگر سر باز نمی زند. این سه گروه عبارت اند از: سالمندی که مویش را در راه اسلام سفید کرده، معلم نیکی و پیشوای عادل.»

در خاطرات آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حائری، بنیانگذار حوزه علمیه قم آمده است:

در دوران جوانی روزی در جلسه ای با حضور عده ای از علما که در میان آنان آقا میرزا محمدتقی شیرازی و شهید آقا شیخ فضل الله نوری نیز دیده می شد، نشسته بودیم. در آن هنگام، پیرمردی ژولیده و لاغر اندام که دستمال ماندی به سر بسته و عبایی وصله دار بر دوش گرفته بود، در نهایت سادگی به آن جلسه داخل شد. میرزا محمدتقی شیرازی فوراً بلند شد و با احترام تمام آن پیرمرد را به حضور جمع آورد و در بهترین جای مجلس نشاند. او با اشاره به آقا شیخ فضل الله، از میرزا پرسید: ایشان کیست؟ میرزا گفت: ایشان آقا شیخ فضل الله نوری است و او را کاملاً معرفی کرد. پیرمرد روشن ضمیر گفت: چند سال بعد شیخ فضل الله نامی را [به جرم دفاع از اسلام] در تهران بر دار می کشند. او تو نباشی!

سپس نام مرا از میرزا پرسید: میرزا گفت: او آقا شیخ عبد الکریم یزدی است و از فضلاست. مسئله ای از من پرسید و من چون پاسخ آن را خیلی واضح و پیش پا افتاده می دانستم، نگفتم و سکوت کردم. میرزای شیرازی دوم بر من خشم گرفت و شدیداً ناراحت شد و خودش پاسخ مسئله را گفت و اضافه کرد که علما در این باب این طور می گویند. وقتی بیان میرزا تمام شد، آن مرد ساده پوش خود به صورت دیگر پاسخ را تقریر کرد و میرزا گفته های او را نوشت و به او نشان داد و پرسید: آیا همین گونه فرمودید؟ و او گفت: بلی. سپس به من رو کرد و گفت: چندی بعد پرچم اسلام در قم بر دوش شیخ عبد الکریم نامی به احتزاز در می آید، او تو نباشی!

آن گاه برخاست و خداحافظی کرد و رفت. میرزا محمدتقی شیرازی کفش پیش پای او نهاد و او را بدرقه کرد و چون بازگشت، بر من عصبانی شد که چرا به او بی اعتنائی کردم و توضیح داد که او معلم اخلاق حوزه های علمیه، آخوند فتحعلی سلطان آبادی است.

معلم، در شعر شهریار

می توان در سایه آموختن	گنج عشق جاودان اندوختن
اول از استاد یاد آموختیم	پس سویدای سواد آموختیم
از پدر گر قالب تن یافتیم	از معلم جان روشن یافتیم
ای معلم چون کنم توصیف تو	چون خدا مشکل توان تعریف تو
ای تو کشتی نجات روح ما	ای به طوفان جهالت نوح ما
یک پدر بخشنده آب و گل است	یک پدر روشنگر جان و دل است
لیک اگر پرسى کدامین برترین	آنکه دین آموزد و علم و یقین

برکات حضور در نزد معلم

یکی از مهم ترین مصادیق تعظیم معلمان و اساتید، حضور در کلاس درس آنان است که انسان علاوه بر اینکه مطالب بسیاری از آنان می آموزد، از آداب و رسوم و اطلاعات غیر درسی نیز بهره مند می شود؛ افزون بر آن، به مقام دوستان خداوند و ثواب آنچه نزد خداست نیز دست می یابد. در حقیقت آموزه های معلم، همانند قطرات باران دلهای تشنه را سیراب و استعدادها را شکوفا می کند. به این جهت، حضرت عیسی علیه السلام به پیروان خود سفارش کرد که:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ زَاكِمُوا الْعُلَمَاءَ فِي مَجَالِسِهِمْ وَلَوْ جُثُوا عَلَى الرَّكَبِ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ كَمَا يُحْيِي الْأَرْضَ الْمَيِّتَةَ بِوَابِلِ الْمَطَرِ؛ ای بنی اسرائیل! در کلاسهای درس دانشمندان ازدحام کنید! حتی اگر از تنگی مکان درس ناچار باشید که بر روی زانوان بنشینید؛ چرا که خداوند متعال با نور دانش و

حکمت، دل‌های مرده را زنده می‌کند؛ همان طوری که زمین مرده [و خشک] را با قطرات باران احیا می‌کند.

ویژگی‌های معلمان شایسته

در مطالب گذشته روایاتی در مقام و منزلت معلمان شایسته بیان شد. در خاتمه، به برخی از شرایط آنان نیز اشاره می‌شود:

۱- اخلاص

امام صادق علیه السلام فرمود: «الْمُعَلِّمُ لَا يُعَلِّمُ بِالْأَجْرِ وَيَقْبَلُ الْهَدِيَّةَ إِذَا أُهْدِيَ إِلَيْهِ؛ معلم به خاطر مزد درس نمی‌دهد، [بلکه برای خدا و با خلوص نیت آموزش می‌دهد] و هرگاه هدیه‌ای به او دادند، آن را می‌پذیرد.

۲- عدالت میان شاگردان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دورترین مردم از خداوند را دو گروه معرفی نمود و در توضیح گروه دوم فرمود: «وَمُعَلِّمُ الصَّبِيَّانِ لَا يُوَاسِي بَيْنَهُمْ وَلَا يُرَاقِبُ اللَّهَ فِي الْيَتِيمِ؛ و معلم کودکان که در میان آنان به عدالت رفتار نمی‌کند و در مورد یتیم، خدا را در نظر نمی‌گیرد».

۳- تواضع

علی علیه السلام فرمود: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلْمُتَعَلِّمِينَ وَذَلَّ لِلْعُلَمَاءِ سَادَ بَعْلِمِهِ؛ هر معلمی که بر شاگردانش تواضع و فروتنی کند و در برابر دانشمندان خود را کوچک و پایین دست به حساب آورد، با دانش خود به آقایی می‌رسد».

۴- عمل به گفته‌های خود

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز قیامت دانشمندان [و معلمان] بد را می‌آورند و به آتش جهنم می‌اندازند. یکی از آنان [از شدت عذاب] در داخل آتش به دور خود می‌چرخد... کسانی که از

او علم آموخته و نجات یافته اند، به او می گویند: وای بر تو! ما راه راست را از تو آموختیم و هدایت شدیم. چرا تو اینگونه ای؟ او پاسخ می دهد: من نسبت به آنچه به شما می آموختم و شما را از آن نهی می کردم، مخالفت کردم.

نماز در جایگاه معلم اخلاق

از قرآن این نکته را می فهمیم، که نماز برای انسان، نقش معلم بزرگ اخلاق را بر عهده دارد؛ معلم اخلاقی که هر انسانی باید داشته باشد؛ معلم اخلاقی که همه ی انسانها اعم از پیامبر اکرم، ائمه طاهرين و عالمان بزرگ دین می گویند: «طی این مرحله بی همراهی خضر مکن.»!

هر انسانی که می خواهد خود سازی کند، باید یک معلم اخلاق داشته باشد. قرآن می فرماید: معلم اخلاقی که همیشه با توست، دوست توست، و آن معلم اخلاق را همه جا می توانی پدیدآوری و در یابی و برای خود رهبر قرار بدهی، نماز است. قرآن می فرماید: هر کاری که معلم اخلاق می کند، نماز هم همان کار را می تواند انجام بدهد. معلم اخلاق برای انسان چه می کند؟ اگر شاگردی معلم اخلاقی پیدا کند، که صد در صد زیر نظر او باشد و راستی توفیق پیدا کند، که چنین معلم اخلاقی پیدا کرده است، این معلم اخلاق با این شاگرد چه می کند؟ کمک می کند، تا این شاگرد در راه مستقیم بیفتد، راهی که سرانجام سیر این راه خدا، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين (علیهم السلام) است.

وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا .

قرآن می فرماید: نماز کار معلم اخلاق را می کند، «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ».

در رسیدن به سعادت و هدف و برای هدایت به راه مستقیم از دو بال کمک بجوئید: صبر و استقامت، تلاش و کوشش یک بال و کمک گرفتن از نماز، بال دیگر پرواز است.

اگر چه این آیه شریفه، آیه ی کوتاهی است؛ اما از آیات بسیار پر محتوا است.

یک معلم اخلاق کارش این است، که انسان را از گناه باز دارد، اگر شاگردی زیر نظر یک معلم اخلاق باشد این معلم اخلاق، نمی گذارد او گناه بکند، گناه چه کوچک، چه بزرگ باشد. به او می فهماند، گناه هر چند کوچک؛ اما برای سقوط انسان بزرگ است. و مخالفت با خداست و در محضر خدا، مخالفت بزرگ است. این کار یک معلم اخلاق است. قرآن می فرماید: این کار دوم معلم اخلاق است که:

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ «اگر متعلق آن» وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ «نیامده بود، اما متعلق اینجا آمده است، و این که نماز، نمازگزار را از گناه کردن باز می دارد. در این آیه، نقش بی نظیر نماز یاد آوری شده است، که بالاترین و متعالی ترین شأن را دارد.

نور در مقابل تیرگی

می دانید که قرآن شریف هر کجا که این عبارت را می فرماید، نور را در مقابل ظلمات به کار می برد. کار برد نور در مقابل ظلمات، معنایش همین است، که این دنیا برای انسان ظلمت ها دارد. حجابهای بین او و بین خدا، باید یکی پس از دیگری پاره شود. اگر اینجا حجابها را نتواند پیدا کند، در روز قیامت آن حجابها رخ می نماید. کسی که در آنجا بین او و خدا حجاب باشد، حجاب او جهنم است. این ظلمت ها یکی پس از دیگری باید از بین برود. ظلمت نفس اماره انسان را انسان را بدبخت می کند، ظلمت صفات رذیله ها نه، ظلمت یک صفت رذیله انسان را بدبخت می کند. خدا نکند یک کسی حسود باشد، این ظلمت از هر ظلمتی در دل شب، برای انسان مشکل تر و سخت تر است. ظلمت سوغات تمدن روز، یعنی افسردگی، غم و غصه، اضطراب خاطر، نگرانی، این ظلمت بسیار بزرگی است. قرآن می فرماید آدم نماز خوان را نماز به نور مطلق می رساند، «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ».

نماز؛ گشایشگر تنگناها و سختیها

بزرگان در پیشامدهای سخت توانفرسا، بی درنگ دو رکعت نماز می خواندند. مشکلی که برای امیر المؤمنین (ع) جلو آمد، که در طول عمرش، چنین مشکلی برای علی (ع) جلو نیامد، مرگ زهرا (س) بود، غسل، کفن و دفن زهرا (س) بود. این مشکل، مشکل ترین مشکلات در سراسر عمر شصت و سه

ساله اش بود. می دانید که امیر المؤمنین (ع) در مشکل بزرگ شد. امیر المؤمنین (ع) مشکلاتش به اندازه ای بود، که در نهج البلاغه می فرماید: «یک استخوان در گلو و یک خار در چشم می باشند!». اما مشکل تر از همه اینها مرگ زهرایش بود. در مقاتل می نویسند: امیر المؤمنین (ع) دو، سه مرتبه دو رکعت نماز خواند؛ وقتی که می خواست زهرایش را غسل بدهد، مشکل بود، دو رکعت نماز خواند؛ وقتی که زهرایش را کفن کرد، دو رکعت نماز خواند؛ وقتی عزیزش را برد تا در قبر بگذارد، دو رکعت نماز خواند دو رکعت نماز خواند وقتی که زهرایش را دفن کرد، باز هم دو رکعت نماز خواند.

جایگاه معلم در تربیت و شناخت معارف مهدویت

جایگاه تعلیم و تربیت بسیار رفیع تر از جایگاه همه مناسبات و معاملات مدنی و فرهنگی به شمار می آید. در آیات قرآن و روایات به تعلیم و تربیت و نیروسازی توجهی ویژه شده است خداوند در قرآن کریم، وعده حکومت بر زمین را به کسانی می دهد که از تربیت خاصی برخوردارند؛ از این رو می فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ»؛ (نور: ۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد.

روایات نیز ویژگی های خاصی را برای زمینه سازان ظهور بر شمرده اند که از عهده هر نوع نظام تعلیم و تربیتی بر نمی آید. برای نمونه، امام صادق می فرماید:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰)

هر کس می خواهد از یاوران حضرت قائم باشد، باید انتظار بکشد و در همین حال، خود را به تقوا و سجایای اخلاقی بیاراید.

کلام آخر: تبعات سبک شمردن نماز و غفلت از نماز

قرآن کریم، غفلت از نماز را به شدت نکوهش کرده و می فرماید: وای بر نامسلمانی که در وقت نماز، غافل از نماز است.

"فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ، الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ "

سوره مبارکه ماعون از چنین کسانی سلب اسلام کرده و می فرماید: وای بر کسانی که در وقت نماز، به جای مسجد، در خانه یا محل کسب و کار یا مراکز تفریحی حضور دارند و مشغول کارهای دنیا هستند. یعنی آنانکه در وقت نماز، غافل از نمازند، مسلمان واقعی نیستند و سقوط می کنند؛ شیطان درون و برون و رفیق بد، آنها را فریب می دهند و در اثر این فریب، نمی توانند در راه مستقیم بمانند، حال انحرافی پیدا می کنند و به گناه می افتند.

راهکار نجات از چنین سقوطی، چنگ زدن به عروه الوثقی، یعنی نماز است. به این معنا که انسان می تواند با تمسک به نماز، در راه مستقیم بماند و سقوط نکند. همگان و به ویژه جوانان، باید این دو آیه از سوره ماعون را مرتب و به صورت ذکر بخوانند و به خود تلقین کنند که من باید نماز اول وقت بخوانم و موقع نماز، نگویم کار دارم، بلکه بگویم: نماز دارم و هیچ چیزی، هیچ کسی و هیچ کاری مرا مشغول نکند.

پیامبر اکرم (ص) در روایتی پانزده عقوبت برای کسی که نماز را سبک بشمارد ذکر می فرمایند که عبارتند از: عمر و روزی او بی برکت می شود، سیمای شایستگان را از چهره اش محو می کنند، کارهایش بدون پاداش می شود، دعای او مستجاب نخواهد شد، از دعای مؤمنین بهره مند نمی گردد، با خواری می میرد، گرسنه و تشنه جان می سپارد، فرشته ای بر او می گمارند که پیوسته او را در قبر حرکت دهد و قبر را بر او تنگ گرداند، قبرش تاریک است، در قیامت او را در برابر چشم مردم به صورت روی زمین می کشند، حساب او را سخت می گیرند، خداوند به او نظر نمی کند و او را پاک نمی سازد و عذابی دردناک خواهد داشت.

سوالات مسابقه نماز معلم انسان ساز:

۱- هر کس می خواهد از یاوران حضرت قائم (عج) باشد، چگونه باید عمل نماید؟

(۱) باید انتظار بکشد (۲) تقوا پیشه کند (۳) آراسته شده به سجایای اخلاقی (۴) همه موارد

۲- برای اینکه انسان در اجتماع یک مسلمان واقعی باشد باید به چه چیزی استمداد کند؟

(۱) امر به معروف و نهی از منکر (۲) حج (۳) صوم (۴) نماز

۳- عمده ترین فریضه مذهبی که در فرآیند اجتماعی شدن انسان نقش موثری دارد کدام مورد می باشد ؟

(۱) روزه (۲) نماز (۳) صدقه (۴) کمک رسانی به ایتم

۴- این سخن از کیست؟ " نماز و ذکر خدا در شب و روز موجب می شود که انسان خالق و مولای خود را فراموش نکند و روح سرکش و طغیان بر او چیره نشود"

(۱) امام رضا علیه السلام (۲) امام صادق علیه السلام (۳) امام کاظم علیه السلام (۴) امام حسین علیه السلام

۵- هدف از کل جهان آفرینش کدام یک از موارد زیر است ؟

(۱) پرستش خدا (۲) تقوا (۳) علم و دانش (۴) امتحان

۶- تامل در کدام آیه نشان می دهد در اسلام همانگونه که تحصیل علم واجب است تعلیم دادن به دیگران نیز جنبه وجوب و الزام دارد ؟

(۱) اقم الصلوه لذکری (۲) ان الصلاه تنهی عن الفحشا و المنکر

(۳) فاستلوا اهل الذکر ان کنتم تعلمون (۴) ولینذروا قومهم إذا رجعوا الینهم

۷- کدام داستان در قرآن بیانگر معلم و استاد است؟

(۱) یوسف و برادران (۲) خضر و موسی (۳) موسی و هارون (۴) سلیمان و هدهد

۸- طبق آیات نورانی قرآن کریم نخستین معلم انسان کدام مورد می باشد ؟

(۱) پیامبر (ص) (۲) جبرئیل (۳) خداوند متعال (۴) همه موارد

۹- کدام یک از موارد زیر جزء مهمترین برنامه های پیامبران می باشد؟

(۱) تعلیم و تربیت (۲) انذار عموم (۳) رساندن وحی (۴) موعظه

۱۰- از مهمترین امتیازات جامعه بشری کدام یک از موارد زیر می باشد ؟

(۱) روابط اجتماعی (۲) صداقت (۳) هنر معلمی (۴) حسن نیت

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی

ستاد اقامه نماز استان چهارمحال و بختیاری - اردیبهشت ۱۴۰۱